



۷

جام جم از واکنش‌ها به گزارش نفتی برنامه «سلام، صبح بخیر» می‌گوید

دور زدن تحریم روی آنتن

نگاهی به تقابل قهرمان و ضد قهرمان در مجموعه «گاندو»

آدم خوب‌ها علیه آدم بد‌ها

۶

شیعیان نسبت به وخامت حال رهبر شیعیان نیجریه ابراز نگرانی کردند

ابراهیم در آتش



۸



رسانه

پنجشنبه ۱۳ تیر ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۲۲



بینید و بشنوید

شبکه يك	
	
۷/۱۰	سفرنامه صبا
۱۰/۳۰	راهی به سوی نور
۱۵/۵۵	خانه ملت
۱۸/۲۵	درس‌هایی از قرآن
۱۹/۵۰	خشت بهشت
۲۲/۰۵	سریال بوی باران
۲۳/۰۵	فیلم سینمایی گلنار

شبکه دو	
	
۱۱	شفا
۱۵/۳۰	شکرستان
۱۸	کوی محبت
۱۹	محلۀ گل و بلبل
۲۰	ایران
۲۱	اقیانوس آرام

شبکه سه	
	
۱۲	پشت صحنه عصرجدید
۱۷/۲۰	ستاره‌ساز
۱۸	مخفیلم
۱۹/۲۰	سریال گاندو
۲۰/۵۰	عصرجدید
۲۲/۳۰	مخاطب خاص
۲۳/۳۰	پشت صحنه عصرجدید

شبکه پنج	
	
۱۲/۱۵	تأییدش
۱۳/۲۰	تماشاخانه (غول‌های پاکتی)
۱۵/۱۵	رنگین‌کمان
۲۰	ویژه دهه کرامت
۲۱	تهرانگرد
۲۱/۳۰	شب فیروزه‌ای

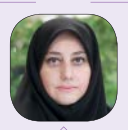
شبکه نسیم	
	
۱۹/۳۰	شکرآباد
۲۰	وبنامین خ
۲۱	خانه ما
۲۲	نسیم آوا
۲۳	مرور دوره‌می

شبکه تماشا	
	
۱۷	پاینخت ۳
۱۸	بوی باران
۱۹	دختر امپراتور
۲۰	یادآوری
۲۱	تعبیر وارونه یک رویا
۲۲	عملیات ویژه نجات
۲۳	پرستاران

شبکه نمایش	
	
۱۳	گلنار
۱۵	آقای سریع
۱۷	نفس
۱۹	دان ۲
۲۱	روز بعد از فردا
۲۳	تمام پول دنیا

شبکه شما	
	
۹	پرتشک شما
۱۰	کاشانه مهر
۱۸	مستند
۱۹	ترانه باران
۲۱	شکرخند
۲۲	چهل پنجاه هفت

شبکه‌های رادیویی	
	
۱۰	فرهنگ، برنامه شنونده‌ها / برنامه تعاملی برای معرفی برنامه‌های شبکه با اجرای شنوندگان
۱۰/۳۰	ایران، خاص، باشید / کارآفرینی و رونق تولید در راستای شعار سال
۱۰/۳۰	قرآن، ویژه برنامه دهه کرامت / کرامت‌انسانی و مصادیق آن / درسبک زندگی قرآنی / سبک زندگی و سیره اهل بیت (ع) برگرفته از آموزه‌های قرآنی و روایات



فاطمه عودباشی
رسانه

«آزیتا ترکاشوند از چندی پیش پیش‌پخش دو مجموعه تلویزیونی گاندو و بوی باران را روی آنتن شبکه‌های يك و سه دارد. با وجود این که در این دو سریال بازی کرده، اما کاملاً نقش‌هایش متفاوت از یکدیگر است و حتی ژانر آن با هم فرق دارد. او در سریال بوی باران در لباس کارگری ظاهر شده که در کارخانه بازیافت زباله کار می‌کند. فریبای قصه این سریال بسیار هم طلبکار است و تا به امروز مخاطبان او را بسیار پُر هیاهو در این اثر دیده است. او شاکی است که چرا حقوق نمی‌گیرد؟ چرا شرایط زندگی‌اش این‌طور هست؟ و خیلی چیزهای دیگر... با این‌که شخصیت فریبا جزو کاراکترهای چرک است، اما ترکاشوند این نقش را پذیرفته و خوب هم بازی کرده است. این هنرمند برخلاف این نقش در سریال گاندو در نقش گلی ثابتی حضور دارد که جاسوس است و روحیات متفاوتی دارد. با وجود این‌که تا به امروز چنین کاراکتری را به این شکل و پرزنگ نداشته‌یم، اما او سعی کرده تا نقش یک زن جاسوس در موقعیت‌های متفاوت را به خوبی اجرا کند. پخش این دو سریال بهانه‌ای شد برای گفت‌وگوی ما با او.

خانم ترکاشوند شما در مجموعه گاندو نقش منفی و متفاوت یک جاسوس زن به نام گلی را بازی می‌کنید که مایه‌آزاری آن در جامعه نیست و همین کار شما را برای بازی سخت می‌کرد. واکنشتان بعد از این پیشنهاد چه بود؟

نه تنها نمونه چنین شخصیتی در جامعه نیست، بلکه تا به الان هم چنین شخصیتی در تلویزیون ایران نشان داده نشده بود که با این فرم جاسوسی گلی ثابتی باشد. قبل از بازی با تهیه‌کننده، کارگردان و نویسنده خیلی صحبت کردم و با جان و دل به حرف‌هایشان گوش دادم و تصمیم گرفتم این نقش را مال خودم کنم. به همین دلیل به رفتار، حرف زدن، عصیانیت و دیگر روحیات این شخصیت فکر کردم که مثلاً اگر عصبانی می‌شود در چه مواقعی خواهد بود؟ یا این‌که وقتی طعمه خودش را پیدا می‌کند چطور رفتار می‌کند و ... دلم نمی‌خواست بازی‌ام در کار یکدست شود، به همین دلیل خودم را مرتب جای گلی در موقعیت‌های عجیب و غریب قرار دادم و سعی کردم همین ویژگی‌ها را مخاطب در حالت صورتم ببیند. به عنوان مثال وقتی نهادهای امنیتی گلی را بازداشت می‌کنند، در چه‌رام نشان می‌دهم که خیلی زن ساده‌ای هستم و خودم هم گول خوردم، حتی هول شدم. یعنی مخاطب این اضطراب را در چهره من به عنوان گلی می‌بیند و حس می‌کند که گلی در چنین موقعیتی مثل یک دختر ۲۰ ساله است که نه راه پیش دارد و نه راه پس و دیگر زرنگی و زبلی گلی را نمی‌بیند. پس سعی کردم گلی متناسب با هر موقعیت رفتار کند. ضمن این‌که دلم می‌خواست طوری بازی کنم که مخاطب علاقه‌مند باشد سرنوشت گلی را دنبال کند، نه این‌که جزو شخصیت‌های منفی قصه باشد و او را دوست نداشته باشد.

پس نمی‌خواستید، شخصیت گلی به گونه‌ای باشد که مخاطب از او متنفر شود؟

دقیقا همین طور است. دلم نمی‌خواست مخاطب او را دوست نداشته باشد و به انزجار برسد، بلکه می‌خواستم گاهی هم دلش برای او بسوزد و پیگیر سرنوشت او در قصه باشد. **با توجه به این‌که مایه‌آزاری شخصیت گلی هم در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی نداشته‌یم، نگران نبودید که می‌خواهید این نقش را بازی کنید؟**

برای طلب‌هایش. البته به مرور مخاطب متوجه می‌شود که او چه سختی‌هایی در زندگی‌اش تحمل کرده است. نقش فریبا جزو شخصیت‌های چرک قصه است و برخی بازیگران دوست ندارند چنین نقش‌هایی را بازی کنند که گریم نباشد، اما آنچه برای من مهم است این‌که نقش من را به چالش دعوت کند. برای من مهم نیست که گریم زیبایی داشته باشم، بلکه می‌خواهم زیبا بازی‌ام را ارائه بدهم.

حضور سارا خوییینی‌ها در نقش مرجان، دوست گلی چه تجربه‌ای در بازی برایتان به همراه داشت؟

تجربه کاری سارا بیشتر از من است و علاوه بر آن بسیار خوش‌برخورد است و ما فقط همکار نیستیم، بلکه دوست و رفیق هستیم. بنابراین حضور سارا در کار بی‌تأثیر نبود. ضمن این‌که سارا انرژی خیلی خوبی در کار دارد و من هم حس خوبی داشتم که با او همبازی هستم.

شما در این سریال باید با موجودی همچون گاندو (تمساح) هم سروکله می‌زدید. مشکل یا ترس و واهمه‌ای نداشته‌ید؟

اتفاقاً من جزو آدم‌هایی هستم که حیوانات را خیلی دوست دارم، اما از همه آنها می‌ترسم، حتی از سگ و گربه هم می‌ترسم. اگر در خیابان یک گربه ببینم، آن قدر می‌ایستم تا یک نفر بیاید و آن گربه را از آنجا دور کند. وقتی قرار شد در این مجموعه با تمساح هم سروکله بزنم، مجبور بودم این کار را انجام بدهم، چون از اول پذیرفته بودم که نقش گلی این ویژگی را دارد. علاوه بر آن نام مجموعه هم برگرفته از این تمساح و نقش محوری سریال بود. بنابراین باید برترسم غلبه و این نقش را بازی می‌کردم.

بازتاب‌هایی که از مردم گرفتید چطور بود؟

خوشبختانه بازتاب‌های خوب مردمی خستگی کار را از تن‌مان دور کرده است و به من انرژی مثبت داده است. حتی در خیابان من را به نام گلی ثابتی صدا می‌کنند. واقعا از انرژی‌های خوب مردم لذت می‌برم و انگیزه‌ام زیاد می‌شود. جالب است که چند روز پیش تاکسی گرفته بودم تا تالار وحدت بروم. در مسیر راه راننده به من گفت که او و خانواده‌اش دل‌شان برای گلی می‌سوزد و نگران سرنوشت او هستند. شنیدن چنین جملاتی هم انرژی بخش است و هم این‌که نشان می‌دهد که مردم توانسته‌اند ارتباط خوبی برقرار کنند.

آیا سکانس پیچیده‌ای بود که چالش زیادی برای اجرای آن داشتید؟

بله، سکانس فینال شخصیت گلی خیلی برایم چالش برانگیز بود که البته نمی‌توانم درباره آن توضیح بدهم، چون قصه لو می‌رود، اما همه

تلاشم را کردم تا بازی زیرپوستی چند بعدی خوبی در این سکانس داشته باشم که خیلی هم طولانی بود.

از این‌که در سریالی با چنین موضوعی بازی کرده‌اید که به فعالیت جاسوسان و زحمت شبانه‌روزی نهادهای امنیتی می‌پردازد چه حسی داشتید؟

راستش اولین حسم، غرور ملی بود. من هم مثل دیگر مردم اطلاعاتی از زحمتاتی که نهادهای امنیتی شبانه‌روز می‌کشند تا من و دیگر مردم ایران سرشان را با آرامش روی بالش بگذارند، نداشتم. اما این سریال باعث شد تا حدودی با زحمات این عزیزان آشنا شویم. به همین دلیل با غرور ملی در این سریال بازی کردم و افتخار می‌کنم در کشوری زندگی می‌کنم که با وجود این‌که کشورهای اطراف‌مان در جنگ به سر می‌برند، اما نهادهای امنیتی نگذاشته‌اند آب در دل مردم ایران بخورد و همین حس خوبی است.

بهتر است نگاهی هم به سریال بوی باران داشته باشیم. شما در این سریال نقش کارگری به نام فریبا را بازی می‌کنید که خیلی هم منفی است و جالب این‌که بعد از مرگ فرشته باز هم پشت سر او حرف می‌زند. چرا این نقش تا این حد منفی مطلق است؟

اتفاقا خیلی‌ها به من این حرف را زدند که چرا فریبا اینقدر دلش سنگ و مرتب طلبکار است و داد و بیداد می‌کند. به دوستان گفتم و به شما هم می‌گویم که بهتر است کمی صبوری کنید. هرچه قصه جلوتر برود، دلان برای این شخصیت حتی می‌سوزد و متوجه می‌شوید چرا او چنین روحیه‌ای دارد. خیلی دوست داشتم این نقش چرک را بازی کنم، چون این نقش هم چالش برانگیز بود.

معمولاً همه بازیگران چنین نقش‌هایی را بازی نمی‌کنند. شما چطور بازی کردید؟

همان‌طور که تاکید کردم برای من اهمیت ندارد نقش‌هایی را بازی کنم که گریم شیک و مرتب داشته باشم. دلم می‌خواهد خودم را در هر نقشی محک بزنم. چون اعتقاد دارم من مانکن یا مدل نیستم که همیشه نقش‌های شیک و مرتب بازی کنم. بنابراین همیشه به دنبال نقش‌هایی هستم که پیچیده بوده و خلق نقش برایم جذابیت داشته باشد. به همین دلیل برایم فرقی نمی‌کند که نقش چرک باشد، حتی اگر قرار باشد نقش یک خانم شیک و مرتب هم بازی کنم. سعی می‌کنم طوری آن را خلق کنم که برای مخاطب تازگی داشته باشد و از تماشای آن لذت ببرد.



یادداشت: جواد شمسقدری

کارگردان

موثر باشیم

نمی‌توان از سریال‌سازان خواست در لحظه درباره مسائل و گرفتاری‌های جامعه داستان‌پردازی کنند؛ چون حتی با تأمین سرمایه نیز باز تصویب فیلمنامه و تلاش برای تولید ماه‌ها زمان می‌برد.

اگر در ماه‌های اخیر اقبال به برنامه‌های گفت‌وگو محور چالشی بیشتر شده یک دلیلش همین است که سعی می‌کنند حرف دل مردم را مطرح کنند. البته در طرح مباحث چالشی نیز هرازگاه مخالفت‌هایی از آنها که نقد شده‌اند سر می‌زند که طبیعی است، ولی باید تریبون به نقدشدگان هم برسد تا حرف‌ها و توضیحات خود را مطرح کنند. تلویزیون می‌تواند درباره تمام معضلات و مشکلات جامعه ایران به صورت زنده یا تولیدی به ارائه تحلیل و محتوا دست زند و یقیناً برنامه‌هایی که با شفافیت نقد می‌کنند بازخورد بهتری از مخاطب خواهند گرفت.

میزگردهای خبری و تحلیلی سال‌هاست بخشی از جدول پخش برنامه‌های رسانه ملی را به خود اختصاص داده‌اند ولی بسیار بهتر است تمامی این میزگردها به طرح مسائل مورد نیاز جامعه بپردازند.

شبکه‌های مختلف رسانه ملی هر کدام زیرمجموعه‌ای را برای خود در نظر گرفته‌اند؛ زیرمجموعه‌هایی که از ورزش تا علم و اقتصاد و سلامت و... را شامل می‌شود. اگر بتوانیم کاری کنیم که هر کدام از شبکه‌ها بر مدار زیرمجموعه خود به ارائه میزگرد‌ها و برنامه‌های گفت‌وگو محور تحلیلی و در عین حال سرگرم‌کننده دست زنند، خیلی موفق‌تر خواهیم بود.

در کنارش می‌توان از سریال‌سازان هم خواست پیرامون دغدغه‌های کلی‌تر جامعه که سال‌هاست از آن رنج می‌برند داستان‌پردازی کنند ولی در سریال‌ها باید در کنار طرح مسأله، راه‌حلش را هم ارائه کرد تا سریال تاریخ مصرف بیشتری داشته باشد.

مستند جدید

از محمد مرسی

جدیدترین قسمت از برنامه تلویزیونی «۳۰ درجه» به ماجرای مرگ محمد مرسی در دادگاه مصر و حواشی مربوط به آن می‌پردازد. به گزارش روابط عمومی شبکه مستند، چند هفته پیش بود که محمد مرسی، رئیس‌جمهور سابق مصر در جریان برگزاری جلسه دادگاه غش کرد و جان خود را از دست داد.

محمد مرسی سال ۲۰۱۲ و پس از آغاز موج اعتراضات در مصر، جانشین حسنی مبارک شد. او که در حال پایه‌گذاری حکومت جدیدی در مصر بود، یک سال بعد با کودتای ارتش به رهبری عبدالفتاح السیسی رئیس‌جمهور فعلی مصر، برکنار و در پی آن زندانی شد. این قسمت از برنامه ۳۰ درجه، به بهانه درگذشت محمد مرسی، مروری بر انقلاب مصر داشته و ماجرای برکناری و زندانی شدن او را از دید کارشناسان مورد بررسی قرار می‌دهد. این برنامه به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمد‌هادی نعمت‌اللهی، جمعه‌ها ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه از شبکه مستند سیمای پخش می‌شود.